

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌ها شعی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. احکام؛ خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

۲. احکام؛ طهارات و نجاسات

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: فرهاد گلستان

تاریخ: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

با توجه به حرمت و نجاست خون، حکم مقداری خون که بعد از شستن گوشت، در رگ‌ها و برخی بافت‌های بدن حیوان یافت می‌شود چیست؟ آیا مشمول قاعده‌ی نفی عسر و حرج می‌شود، یا اطلاق نجاست خون، خوردن آن را حرام می‌کند؟ این موضوع در مورد جگر حادث است؛ چرا که خون داخل آن قابل شست‌وشوی کامل، به نحوی که هیچ اثری از آن نماند، نیست. متشکرم.

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۰/۱۱/۵

خونی که خوردن آن در کتاب خداوند حرام شده، «خون ریخته‌شده» است؛ چنانکه فرموده است: «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فِسْقًا أَلْهَلَ لِيغَيِّرَ اللَّهُ بِهِ»؛ «بگو در چیزی که به من وحی شده است، چیزی که بر خورنده‌ی آن حرام باشد نمی‌یابم مگر اینکه مرداری یا خونی ریخته‌شده یا گوشت خوکی باشد که نجس است یا فسقی باشد که نام غیر خداوند بر آن برده شده است». هر چند در آیاتی دیگر، مطلق «خون» حرام دانسته شده، ولی این آیه که دارای تقييد است، بر آن‌ها مقدم می‌شود؛ چراکه حالتش نسبت به آن‌ها حالت مفصل نسبت به مجمل است که با تفصیل خود، اجمال آن را تبیین می‌کند؛ بر خلاف پندار ظاهری که می‌پندارند آیات دیگر، تعمیم‌دهنده‌ی این آیه هستند؛ با این استدلال که آیات دیگر در مدینه نازل شده‌اند و این آیه مکی است و از این رو، آیات دیگر به منزله‌ی آیات ناسخ هستند و حرمت خون ریخته‌شده که در این آیه بیان شده است را به حرمت مطلق خون تعمیم داده‌اند^۲، در حالی که این استدلال درست نیست؛ چراکه اصل، عدم نسخ است، تا آن گاه که نسخ ثابت شود و از این رو، تا هنگامی که حمل بر غیر نسخ

۱. الأنعام / ۱۴۵

۲. بنگرید به: المحلی بالآثار لابن حزم، ج ۶، ص ۵۶.

ممکن است، حمل بر نسخ درست نیست و واضح است که در اینجا حمل بر غیر نسخ ممکن است؛ چراکه بیان مجمل، پس از بیان مفصل، در میان عقلا رایج است، بدون اینکه قصد نسخ را داشته باشند؛ با توجه به اینکه بیان مفصل آنان در گذشته، مقصودشان در بیان مجمل را روشن می‌کند و از این رو، گاه به بیان مجمل بسنده می‌کنند و قیود مذکور در بیان مفصل را تکرار نمی‌کنند. وانگهی در اینجا اراده‌ی نسخ بسیار بعید است؛ چراکه بنای خداوند در تشریع این قبیل احکام، بر تشدید نبوده، بلکه بر تخفیف بوده؛ چنانکه خود از آن خبر داده و فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»^۱؛ «خداوند می‌خواهد که به شما تخفیف دهد و انسان ضعیف آفریده شده است». بنابراین، تحریم همهی انواع خون پس از تحریم خون ریخته‌شده که تشدید بزرگی محسوب می‌شود، بر خلاف قاعده و رویه‌ی الهی است و از آنجا که دلیلی مانند گناهان مسلمین یا مصلحتی مانند ضرر سایر انواع خون برای آن ذکر نشده، بسیار بعید است. این به معنای آن است که خداوند در کتاب خود تنها خون ریخته‌شده را حرام کرده و مراد از آن خونی است که به هنگام ذبح یا جرح، از بدن حیوان یا انسان خارج می‌شود. بنابراین، حکم مذکور شامل خونی که طبیعتاً در رگ و گوشت حیوان وجود دارد و با ذبح از بدن او بیرون نمی‌آید نمی‌شود و این چیزی است که ظاهراً میان صحابه و تابعین درباره‌ی آن اختلافی نبوده است؛ چنانکه از ابن عباس نقل شده است: «إِنَّمَا حُرِّمَ الدَّمُ الْمَسْفُوحُ»^۲؛ «تنها خون ریخته‌شده حرام شده» و از عائشة نقل شده است: «أَنَّهَا سَأَلَتْ عَنِ الدَّمِ يَكُونُ فِي اللَّحْمِ قَالَتْ: إِنَّمَا نَهَى اللَّهُ عَنِ الدَّمِ الْمَسْفُوحِ»^۳؛ «از او درباره‌ی خونی پرسیده شد که در گوشت است، پس گفت: خداوند تنها از خون ریخته‌شده نهی فرموده» و از ابراهیم نخعی (د. ۹۶ق) نقل شده است: «لَا بَأْسَ بِالدَّمِ فِي عِزْقٍ أَوْ مِخٍّ، إِلَّا الْمَسْفُوحَ الَّذِي تُعْمَدُ ذَلِكَ»^۴؛ «خونی که در رگ یا مغز است اشکالی ندارد. تنها خون ریخته‌شده‌ای که خوردن آن قصد شده باشد، اشکال دارد» و از عکرمه (د. ۱۰۵ق) نقل شده است: «لَوْلَا هَذِهِ الْآيَةُ (أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا) لَاتَّبَعَ الْمُسْلِمُونَ عَنِ الْعُرُوقِ مَا اتَّبَعَ الْيَهُودُ»^۵؛ «اگر این آیه که می‌فرماید: >خون ریخته‌شده< نبود، مسلمانان مانند یهودیان دنبال رگ‌ها می‌گشتند» و از ابو مجلز (د. ۱۰۹ق) نقل شده است که درباره‌ی خون میان گوشت می‌گفت: «لَا بَأْسَ بِهِ، إِنَّمَا نُهِيَ عَنِ الدَّمِ الْمَسْفُوحِ»^۶؛ «اشکالی ندارد؛ چراکه تنها از خون ریخته‌شده نهی شده» و از قتاده (د. ۱۱۷ق) نقل شده است:

۱. النساء / ۲۸

۲. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۱۲۵؛ غریب الحديث لإبراهيم الحربي، ج ۲، ص ۶۳۳؛ تفسیر القرآن العظيم لابن أبي حاتم، ج ۵، ص ۱۴۰۶؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۹، ص ۵۹۹

۳. أحكام القرآن للجصاص، ج ۱، ص ۱۵۰

۴. الكشف والبيان للثعلبي، ج ۱۲، ص ۲۴۶؛ تفسیر البغوي، ج ۳، ص ۱۹۸

۵. تفسیر عبد الرزاق، ج ۲، ص ۶۹؛ سنن سعيد بن منصور، ج ۵، ص ۱۱۰؛ جامع البيان عن تأويل آي القرآن للطبري، ج ۹، ص ۶۳۳؛ تفسیر القرآن العظيم لابن أبي حاتم، ج ۵، ص ۱۴۰۷

۶. جامع البيان عن تأويل آي القرآن للطبري، ج ۹، ص ۶۳۴؛ التفسير البسيط للواحدي، ج ۸، ص ۴۹۸

«حَرَّمَ اللَّهُ الدَّمَ مَا كَانَ مَسْفُوحًا، فَأَمَّا لَحْمٌ يُخَالِطُهُ دَمٌ فَلَا بَأْسَ بِهِ»^۱؛ «خداوند خونی را حرام کرده که ریخته شده، اما گوشتی که خون در میان آن است، اشکالی ندارد»، بلکه ظاهراً میان فقههای مذاهب در این باره اختلافی نیست؛ زیرا حتی ظاهریه که مطلق خون را حرام دانسته‌اند، خون موجود در رگ و میان گوشت را با توجیه دیگری حلال شمرده‌اند؛ چنانکه ابن حزم ظاهری (د. ۴۵۶ق) گفته است: «مَا فِي الْعُرْوِقِ وَخِلَالِ اللَّحْمِ فَإِنَّهُ لَيْسَ ظَاهِرًا، وَإِذَا لَمْ يَكُنْ ظَاهِرًا فَلَيْسَ هُنَالِكَ دَمٌ يُحَرِّمُ»^۲؛ «چیزی که در رگ‌ها و میان گوشت وجود دارد، آشکار نیست و هرگاه آشکار نباشد، در واقع خونی وجود ندارد که حرام باشد». از این رو، بسیاری از فقههای مذاهب بر عدم وجوب اجتناب از چنین خونی اذعای اجماع کرده‌اند؛ چنانکه به عنوان نمونه، طبری (د. ۳۱۰ق) گفته است: «فَأَمَّا مَا كَانَ قَدْ صَارَ فِي مَعْنَى اللَّحْمِ كَالْكَبِدِ وَالطَّحَالِ، وَمَا كَانَ فِي اللَّحْمِ غَيْرَ مُنْسَفِحٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ حَرَامٍ، لِإِجْمَاعِ الْجَمِيعِ عَلَى ذَلِكَ»^۳؛ «چیزی از خون که به منزله‌ی گوشت شده مانند جگر و طحال و چیزی از آن که در گوشت مانده و نریخته است، حرام نیست؛ به دلیل اجماع همگان بر آن» و جصاص (د. ۳۷۰ق) گفته است: «لَا خِلَافَ بَيْنَ الْفُقَهَاءِ فِي جَوَازِ أَكْلِ اللَّحْمِ مَعَ بَقَاءِ أَجْزَاءِ الدَّمَ فِي الْعُرْوِقِ، لِأَنَّهُ غَيْرُ مَسْفُوحٍ»^۴؛ «میان فقها اختلافی درباره‌ی جواز خوردن گوشت با وجود بقایای خون در رگ‌ها نیست؛ چراکه آن ریخته‌شده محسوب نمی‌شود» و سید مرتضی (د. ۴۳۶ق) گفته است: «لَا خِلَافَ فِي جَوَازِ أَكْلِ اللَّحْمِ الَّذِي قَدْ بَقِيَ فِي عُرْوَقِهِ أَجْزَاءٌ مِنَ الدَّمَ، فَإِنَّهُ لَا يَجِبُ أَنْ يَنْتَفَى ذَلِكَ بِالْعَسَلِ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بِدَمٍ يُسْفَحُ»^۵؛ «اختلافی در جواز خوردن گوشتی که اجزائی از خون در رگ‌های آن مانده است وجود ندارد. بنابراین، واجب نیست که آن را با شستن بزایند؛ چراکه آن خون ریخته‌شده نیست» و ابن عطیة (د. ۵۴۲ق) گفته است: «أُجْمِعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى تَخْلِيلِ الدَّمَ الْمُخَالِطَ لِلَّحْمِ»^۶؛ «همه‌ی امت بر حلال بودن خون موجود در لابه‌لای گوشت اجماع دارند».

آری، اگر در لابه‌لای گوشت، تکه‌ای بزرگ از خون منعقدشده یافت شود، ظاهر این است که باید از خوردن آن اجتناب شود؛ زیرا مقصود از خون موجود در لابه‌لای گوشت که اجتناب از آن واجب نیست، خون اندک و پراکنده‌ای است که به صورت عادی در لابه‌لای گوشت می‌ماند و اجتناب از آن دشوار است، نه تکه‌ای بزرگ از خون منعقدشده که ماندن آن در لابه‌لای گوشت، عادی نیست و اجتناب از آن آسان است. به عبارت دیگر، خون ریخته‌شده، شامل خونی که طبیعتاً باید از بدن حیوان خارج می‌شد، اما به سبب مانعی خارج نشده است نیز می‌شود؛

۱. تفسیر عبد الرزاق، ج ۲، ص ۷۰؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن للطبري، ج ۹، ص ۶۳۴؛ تفسیر القرآن العظیم لابن أبی حاتم، ج ۵، ص ۱۴۰۷؛ معانی القرآن للنحاس، ج ۲، ص ۵۰۷؛ أحكام القرآن للجصاص، ج ۱، ص ۱۵۰.
۲. المحلی بالآثار لابن حزم، ج ۶، ص ۵۷.
۳. جامع البیان عن تأویل آی القرآن للطبري، ج ۸، ص ۵۴.
۴. أحكام القرآن للجصاص، ج ۱، ص ۱۵۰.
۵. الناصریات للشریف المرتضی، ص ۹۵.
۶. تفسیر ابن عطیة، ج ۲، ص ۱۵۰.



همچنانکه اگر خون خارج شده از بدن حیوان، به بدن آن بازگردد نیز ریخته شده محسوب می شود و حرام است.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشعی خراسانی
بیت محمد جعفر (ع) و ابی جعفر (ع) و ابی محمد (ع)



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصورهاشعی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه



صفحه اینستاگرام پایگاه



صفحه تلگرام پایگاه



صفحه فیسبوک پایگاه



لینک مطلب آیین

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.